

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرازهائی از سخنان رسول اکرم محمد مصطفی (ص)

هدیه ای، گرانقدر تقدیم بحضور خواهران و برادران عزیز، که در غوغای عصر جدید برای داشتن یک زندگی موفقیت آمیز و رستگاری دنیا و آخرت، در پرتو نور ایمان می کوشند. سخن پیامبر، پیامبر سخن است.

گردآورنده و مترجم: آقای ابولقاسم پاینده

برداشتی است از کتاب نفیس مجموعه کلمات قصار خاتم انبیاء: رسول اکرم محمد مصطفی (ص)

تألیف و بازنگری: پروین فرجادی

## بزرگواری منزلت محمد مصطفی (ص) نزد خداوند

در مقام بزرگواری منزلت محمد مصطفی (ص) نزد خداوند، و خلعتی از خلعت‌های کرامت که خداوند به وی داد، گفته شده: که خداوند برای او واسطه را از میان برداشت و حکم او را با حکم خود برابر کرد، تا آنکه رضا به قضای الهی سبب یقین خدا پرستان، و رضا به حکم او سبب ایمان مؤمنان است، تا جهانیان بدانند که اطاعت از رسول، اطاعت از حق تعالی است، فعل رسول و حق و بیان رسول راه حق و عمل رسول حجت حق، و شریعت رسول ملت حق، و حکم رسول دین حق، و متابعت رسول دوستی حق، و حق فرمود:

بندگان من، اگر خواهید شما را بدوستی خود راه دهم و به بندگی بپسندم بر پی رسول ما روید و کمر متابعت او را بر میان بندید و حکم ما را بی معارضت بجان و دل قبول کنید و تن فرا داده و دل سپرده و گردن نهاده و خویشتن را تسلیم آن حکم کنید و هیچ تنگی و حرجی بخود راه ندهید، نمیدانید که همه کارها در پی ما بستند و این دو سرای درکوی ما پیوستند؟ زهی رتبت و دولت، زهی کرامت و فضیلت، کرا بوده از عهد آدم تا امروز چنین فضل تمام و کار بنظام. به عزت آسمانی و به فر خدائی و رکن دولت شرع او در این گیتی عامر و حکم وی عالی و نوای وی مستولی، و در آن گیتی آوای وی متعالی، در دل هر مؤمن از وی چراغی، بر هر زبان از وی نامی، در هر دل از وی نوائی و در هر سر از وی آوائی و در هر جان وی را جائی...

ار تو پنداری ترا لطف خدائی نیست، هست

بر سر خوبان عالم پادشاهی نیست، هست

و درباره آیات قرآن که به رسالت او وحی شده گفته شده: این آیات اظهار عزت قرآن و نشر کلام خدای جهان است، کلامی که دل‌های عارفان را شفاست، آسرار آشنایان را ضیاست و جانهای دوستان را غذاست، درد درماندگان را دواست، کلامی که جانها را تذکرت است و دلها را عُدت، امروز وسیلت و فردا ذخیرت. محمد مصطفی (ص) فرمود: هر کس باید نخست بقرآن راه جوید تا قرآن او را بر راه دارد که قرآن راهجویان را رهبر است و یار خواهان را یاور، مؤمن که راه جوید، قرآن او را براه صدق و حق میراند و بیگانه که راه جوی نیست لاجرم قرآن او را راهبر نه!

و دیگر آنکه خداوند محمد مصطفی (ص) را به آداب صحبت آراسته کرد، که هر که آراسته ادب نباشد، شایسته صحبت نبود و آداب صحبت بر سه گونه است: یکی صحبت باحق است به ادب موافقت، دوم صحبت با خلق است به ادب مناصحت، سوم صحبت با نفس است به ادب مخالفت، و هر که پرورده این آداب نیست، ویرا با راه حق هیچ کار نیست و در درگاه پروردگار او را قدر و شأن نیست! ولاجرم محمد مصطفی (ص) که به این آداب آراسته شد، شب معراج آن مقام یافت و باخلق خدا آداب صحبت نگهداشت تا در حق او فرمود:

ای محمد تو دارای خلق عظیم هستی، و اصول آداب صحبت در معاملات با حق آنست که در هر کاری علم بکار داری و شریعت را بزرگ شماری و از جای تهمت و گمان برخیزی و در پرستش خداوند از وسوسه و کاهلی

دور باشی و خدارا به غفلت نام نبری و دین را بیبازی نداری و درگفتار و رفتار و کردار و دیدار، خلوص کار فرمائی و هرگز از خود راضی نباشی و در هر حال توبه بر خود واجب دانی.

اما اصول آداب صحبت باحق آنست که هیچ گاه نصیحت کردن و شفقت نمودن از هیچ مسلمان بازنگیری، انصاف همه از خود بخواهی و بطریق ایثار و مواسات و حُسن خُلق رفتار کنی و از خلاف و معارضه برادران و دروغگو گفتن ایشان پرهیز کنی و ایشان را سحن دُرشت و پاسخ نا هنجار نگوئی.

هر که شفقت و مهربانی از برادر مسلمانی بازگیرد و به همت او را یاری ندهد و نصیحت نکند، سعی در خون او میکند و ناچار بدین نامهربانی مأخوذ گردد و کمترین عقوبت و کیفر او این است که آنچه از مریدان و برادران خویش بازگیرد، هرگز از آنها برخوردار نشود.

"سخنانی چند از خواجه عبدالله انصاری"  
در باره آن بزرگوار

## فهرست

<u>صفحه</u>	<u>موضوع</u>
۷- ۵ -----	مقدمه
۸ -----	علم و عمل- بهترین کارها.
۹ -----	تقوا- بهشتیان و جهنمیان- مرگ- ریاکاران- بنده مؤمن- میهمان- عفو و بخشش
۱۰ -----	صبر- وعده، صدقه و زکات- قرآن- محبت اهل بیت- روابط
۱۱ -----	روابط- رد امانت- حسد- محبوب ترین بندگان- "لا اله الا الله"- لغزش- جهاد
۱۲ -----	روزی- گناه و توبه - نیت و عمل- ایمان- اصلاح زبان.
۱۳ -----	تواضع- آنچه خدا دوست دارد، و آنچه او دوست ندارد- یقین و تردید - هدیه دادن- حرام و حلال- بهترین و بدترین.
۱۴ -----	بهترین و بدترین، ملامت و خشونت - یاد و ذکر خدا، اساس حکمت - اساس دین
۱۵ -----	خدا رحمت کند - مدارا- رؤیا و خواب - پیشوایان گمراه - عیادت بیمار - سخاوتمند و بخیل- سعادت کامل- سلام .
۱۶ -----	عبادت و خلوص - کوری دل- مراقبه، سحرخیزی- کوشش- راستگو و دروغگو- نیکی و نیکوتر
۱۸- ۱۷ -----	دعا و نیایش

## مقدمه

**سخنانی که با حکمت همدوش و با عصمت هماغوش و با تأیید قرین و با توفیق همنشین است،**

خداوند در آیات: "۲۴ و ۲۵" از سوره: "۱۴" (ابراهیم)، فرموده: مگر ندیدی که خدا گفتار پاکیزه را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده است که ریشه آن ثابت و شاخه اش در آسمان است، به اراده پروردگار هر زمان میوه میدهد، خداوند برای مردم مثلها میزند تا پند گیرند.

خواجه عبدالله انصاری آن عارف بزرگ، در تفسیر ادبی و عرفانی این آیات فرموده: سخن پاک و گفت راست که از ذهن مؤمن بیرون آید همچون درخت پاک بر تربت پاک، با آب خوش (عشق)، جز میوه نیکو و شیرین ندهد، تربت پاک نفس بنده مؤمن است و درخت پاک درخت معرفت است، میوه شیرین کلمه توحید است. همانگونه که درخت ریشه بر زمین فرو برد، معرفت و ایمان هم در دل مؤمن ریشه دواند و آن چنانکه شاخه بر هوا میوه آرد درخت معرفت توحید هم ایمان به زبان، و عمل به ارکان دارد، و هر دو بالا روند - که فرمود: همانگونه که قوام درخت به ریشه و شاخه است، درخت ایمان هم به سه چیز برکمال است: اقرار به زبان، تصدیق به جنان، و عمل به ارکان! که این حدیث از پیغمبر است.

خدایا عنایت تو به سنگ رسید، سنگ بارگرفت، سنگ درخت رویاند، درخت میوه برگرفت، چه درختی که بارش همه شادی، مزه اش همه انس و بویش همه آزادی! درختی که ریشه آن در زمین وفا، شاخ آن بر هوای رضا، میوه آن معرفت و صفا، حاصل آن دیدار و لقا - همان درخت که خداوند ایمان مؤمنان را بدان مثل زد، درختی است بهشتی که میوه آن هرگز بریده نگردد و به سر نیاید - چنانکه دلهای اهل عرفان از میوه های ایمان هرگز بریده نشود و دلهای اهل حقیقت از آن میوه ها هیچگاه منصرف و منقطع نگردد، و این میوه ها همیشه و در همه حال در دسترس آنان است و هرگز از دیده ها دور نشود. و باز در قسمتی از آیه: "۱۰" از سوره: "۳۵" خداوند فرموده: "سخن خوش و پاک به سوی او بالا می رود و کردار نیک آنرا بالا می برد."

بهر حال کسانی که در جهان کارهای بزرگ و شگفت انگیز انجام داده اند، سخنان و اعمالشان بر بزرگی و توانایی نفس پاک ایشان شاهدهی صادق است، از این میان آنها که سخنان و اعمال بزرگ و حیرت انگیزشان مایه بهبود و کمال و صلاح انسانیت شده، در مرحله عظمت و نبوغ در صف اول جای دارند و از سایر بزرگان جهان ممتازند، اینان در میان فرزندان انسان، مانند خورشید در میان ستارگانند که با حرارت و نور و نیروی خدا دادی خود، (به اذن او) زندگی و نظم معنوی جهان را از زوال و آشفستگی حفظ می کنند، و رفتار و گفتارشان برای راهنمایی کسان به کمال مطلوب انسانیت و رها ساختن بی خبران از بند هوای و پای بند شهوت بهترین وسیله است.

در ظلمت‌کده جهان که حقیقت با او هام و ظنون آمیخته و راه از چاه هویدا نیست، و از تصادم امیال، وظایف و قیود، در هر قدم هزاران پیچ و خم و پرتگاه در پیش است، برای فرار از حیرت و گمراهی بناچار دلیل راهی باید جست، و به پرتو او این راه سخت و پرخطر را آسان و بی خطر پیمود، این کار از همه کس ساخته نیست، اگر رهروی مشکل و پرخطر باشد محققاً رهبری هزاربار مشکل‌تر است، طینتی پاک باید و گوهری اصیل و روحی چون کوه استوار، و همتی چون آسمان بلند، و حوصله ای چون دریا وسیع، و از همه این‌ها مهم‌تر، دلی باید از شوق لبریز و سری از عشق پرشور و روحی از پرتو غیب روشن، تا به نیروی شوق و رهنمائی عشق و پرتو غیب، راه از چاه باز شناسد، و از تاریکی نجات یابد، و آنگاه گمشدگان مسالک را از مهالک برهاند و بسر منزل مقصود برساند.

این مقام عالی اوج کمال انسانی است، کسی که بدین مرحله رسید، جهان را با هر چه در آن است زیرپا می‌گذارد، و از سرمنزل طبیعت تا سرحقیقت بالا می‌رود، و بحق می‌رسد، و آنگاه از مرحله وصول نزول میکند تا دیگران را نیز که در راه طلب از فرط تعب از رفتار باز مانده اند، یا چنان سخت در دام طبیعت افتاده اند، که به اندیشه طلب نیافتاده اند، در این مسیر ابدی راهبری و رهنمائی کند.

کسی که بدین مقام رسید، رفتارش برای دیگران سرمشق کمال، و گفتارش فضیلت و اخلاق است، و سخنانی که از ضمیر پاک او تراوش می‌کند، برای جانهای سرگشته و حیرت زده که در کار خویش فرو مانده، و در ظلمات و هم و تردید فرو رفته اند، مانند آب حیات است، که آنها را در جهان معانی زندگی جاودانی می‌بخشد.

سخن خوب و شایسته آنست که بر دل نفوذ کند و روح را از تاریکی و زشتی و پلیدی برهاند و به آن اوج دهد، و در افق وسیع و با صفا که بنور ایمان روشن است سیر دهد. کسی که ایمان ندارد سخنی چنین مؤثر و نافذ از او بوجد نمی‌آید، زیرا شخصی که فاقد خصوصیتی است چگونه میتواند آن خصوصیت را به دیگری الفا کند، و آنکه یقین ندارد، دیگران را هرگز به یقین نمی‌رساند، و آنکه کور است از عصا کشی دیگران ناتوان است، بنابراین تأثیر سخن با ایمان گوینده تناسب مستقیم دارد و هر چه ایمان صاحب سخن استوارتر باشد، نفوذ سخنش بیشتر است.

برای بحث از زیبایی اسلوب و میزان فصاحت و اهمیّت ادبی سخنان "رسول اکرم محمد مصطفی (ص)" کتابی مفصل یا لااقل مقاله ای بسیار جامع و طولانی لازم است، و اما بطور بسیار خلاصه و مختصر درباره سخنان ایشان چنین گفته شده است: سخنانی که شماره حروفش اندک و شماره معانی بسیار، از تصنع بری و از تکلف برکنار است، آنجا که تفسیر باید مفصل و آنجا که اختصار شاید، مختصر است، از کلمات نا مانوس و از سخنان مبتذل و بازاری می‌راست، کلماتش با حکمت همدوش و با عصمت هماغوش و با تأیید قرین و با توفیق همنشین بود، این گفتار را خداوند با محبت و قبول توأم ساخته بود، و جالب تر از همه، برای متقاعد کردن هر کس با او در حد معلومات خود او سخن میگفت و جز سخن راست دلیل نمی‌آورد، و غلبه را جز بوسیله حقیقت نمی‌خواست، سخنان خدعه آمیز نمیگفت، عیب جوئی نمی‌کرد، گوشه نمیزد، در سخن نه کُند بود و نه تُند، گفتارش نه طولانی

بود و نه مبهم، مردم سخنی سودمند تر و شیوا تر و رسا تر و روان تر، و فصیح تر و واضح تر از سخن وی نشنیدند.

او صدائی رسا داشت، اما سخن آهسته میگفت. می فرمود: خدا بلند گفتن را دوست ندارد. بطوری سخن میگفت تا بمرور در ضمیر کسان نفوذ کند و ملول نشوند. میفرمود: خدا ملول نشود مگر وقتی شما ملول شوید. کلمات را با تأنی ادا میکرد و در وصف قرآن مجید میفرمود: ریسمان محکم خدا و نور روشن است، ذکر حکیم است و صراط مستقیم.

در فضیلت قرائت قرآن میفرمود: آن کسان که در خانه ای فراهم آمده، بقرائت و دقت قرآن بخوانند در رحمت خدایند. ضمیر خالی از قرآن را بخانه ای ویران مانند میکرد، و کسان را از فراموش کردن قرآن بر حذر میداشت. بنزد وی اعتبار کسان بدانستن قرآن بود، و اگر کتابت قرآن بعهدۀ کاتبان بود، املاء و تلقین آن همه بعهدۀ وی بود. امیر المؤمنین علی (ع) میفرمود: آیه ای بر پیامبر نازل نشد مگر آنکه برای من خواند و املاء کرد و بخط خویش نوشتم. و حالا توجه کنیم به این پیام رسول اکرم (ص) که فرموده اند:

ای مردم هر چه از من برای شما نقل کردند و موافق قرآن است من گفته ام،  
و هر چه برای شما نقل کردند و مخالف قرآن است من نگفته ام .

و اکنون با درود فروان بروان پاک پیامبر بزرگ اسلام (ص) گوش جان به پیامهای دل انگیز او می سپاریم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ.

\*\*\*

## فرازهائی از سخنان رسول اکرم محمد مصطفی (ص)

علم و عمل: علم حیات اسلام است و ستون ایمان، و هر که علمی بیاموزد خدا پاداش او را کامل کند، و هر که تعلیم گیرد و عمل کند، خدا آنچه نمیداند به او تعلیم دهد. جویای علم میان جاهلان، چون زنده میان مردگان است. دانش وران (باتقوا) چراغهای زمین و جانشین پیغمبران و وارثان من هستند. دانش آموز که دانش دوست مؤمن است، و بردباری پشتیبان او، و عقل رهبر، و عمل قیّم و مدارا پدر و ملایمت برادر اوست، و صبر امیر سپاه وی پیشمار می‌رود.

دانش را بجوئید اگرچه درچین باشد، زیرا طلب دانش بر هر مسلمان واجب است منع علم روا نیست. دانش آموزید و با دانش وقار و آرامش بیاموزید و نسبت به آموزگار خویش فروتن باشید.

بسا عابد نادان و بسا دانشمند بدکار که هست، بسا کسان که حامل دانشند اما دانا نیستند، هر که علمش سودش ندهد، جهلش زیانش رساند. از جاهلان عابد و بدکاران علما حذر کنید. طمع، حکمت از دل دانشوران ببرد.

عالم حقیقی آنست که به علم خود عمل کند، همه علمها روز قیامت وبال است مگر علمی که بدان عمل کرده اند. علم گنجینه هاست و کلید آن پرسش است، بپرسید تا خدا بر شما رحمت آرد، که خدا در کار علم چهارکس را پاداش دهد: پرسنده و آموزگار، و شنونده و کسی که دوستدار ایشان است. جویای علم، جویای رحمت است.

در کار دانش یار همدیگر باشید، و دانش خود را از یکدیگر پوشیده مدارید، که خیانت در علم بدتر از خیانت در مال است. با استاد و شاگرد خود تواضع کنید.

حکمت گمشده مؤمن است، از هر که بشنود و فرا گیرد و اهمیت ندهد که از کجا آمده. علمی را که ظاهر نکنند، چون کنجی است که خرج نکنند.

دو چیز عجیب است: سخن حکمت آمیز از سفیه، آنرا بپذیرید، و سخن بد از خردمند، آنرا عفو کنید.

بهترین کارها: بهترین کارها در پیش خدا آنست که بینوائی را سیر کنند، یا قرض او را بپردازند، یا زحمتی را از او دفع نمایند. بهترین کارها نزد خدا نگهداری زبان است. عاقبت را برای دیگران بخواه تا نصیب تو شود. وقتی کسی را که در مال و جمال از شما بیش است می نگرید، به کسی که از شما پست تر است هم نظری بیفکنید.

چهار چیز است که هر که دارد خدایش بر آتش حرام، و از شیطان حراست کند: آنکه بهنگام رغبت، و بهنگام بیم، و وقت شهوت، و در موقع غضب عنان خویش را از کف نگذارد.

( بمعنی اینکه در این زمانهای یاد شده کنترل نفس خود را داشته باشد).

پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار: جوانی پیش از پیری، صحت پیش از بیماری، و ثروت پیش از نیازمندی، فراغت پیش از اشتغال، و زندگی پیش از مرگ.

از آنچه مشکوک است درگذر، و آنچه را مشکوک نیست بگیر، زیرا فقدان چیزی را که برای خدا رها کرده ای نخواهی کرد. بسا کسان که در خواهشهای خود فرو روند و روز قیامت نصیبی جز آتش ندارند.

تقوا: محبوب ترین بندگان در پیش خدا با تقواترینشان است، و تقوا مایه بزرگی است، بنگر که تو از سرخ پوست و سیاه پوست بهتر نیستی، جز آنکه در پرهیزکاری (حفظ تقوا) از او بهتر باشی.

چنان کار کن که گویی هیچگاه خواهی مُرد، و چنان با تقوا باش که گویی فردا خواهی مُرد.

بهشتیان و جهنمیان: هر نعمتی زایل شدن نیست جز نعمت بهشتیان، و هر غمی قطع شدنی است جز غم جهنمیان.

مردمی از بهشتیان بسوی گروهی از جهنمیان نگران شوند و گویند: برای چه بجهنم رفتید؟ بخدا ما بکمک چیزهایی که از شما آموختیم به بهشت درآمدیم. جهنمیان گویند: ما می گفتیم ولی عمل نمی کردیم.

گاه میشود که انسان در نظر مردم کار بهشتیان میکند، اما به حقیقت از جهنمیان است، و گاه می شود که انسان در نظر مردم کار جهنمیان میکند، و به حقیقت اهل بهشت است، گاه می شود که انسان مدتی دراز کار بهشتیان می کند پس از آن، کار وی بکار جهنمیان خاتمه می یابد، و گاه می شود انسان مدتی دراز کار جهنمیان می کند، و پس از آن کار وی به کار بهشتیان خاتمه می یابد.

مرگ: وقتی انسان بمیرد دنباله کارهای نیک او بریده شود، جز سه چیز: صدقه جاری، و دانشی که کسان از آن بهره ور شوند، و فرزند درستکاری که برای او دعا کند. پیش از آنکه مرگ فرا رسد توبه کنید، و پیش از آنکه گرفتار شوید، کارهای نیک کنید. وقتی کسی بمیرد ویرا بگذارید و از او بد نگوئید.

ریاکاران: مبدا آثار نیکان در تو نمودار باشد، و نیک نباشی، که در این صورت با ریاکاران محسور خواهی شد. بدترین مردم شخص دو روست که با گروهی روئی و با گروهی روی دیگر دارد. کمال نیکی آنست که در نهان همان کنی که آشکارا کنی. جانب خدا را نگهدار تا همیشه وی را روبرو بینی.

بنده مؤمن: بنده مؤمن بردشمنان ستم نمیکند، و برای رعایت دوستان مرتکب گناه نمیشود، امانت را تلف نمی کند، حسود و بدگو و لعنت گو نیست، حق را میگوید اگر چه از او شهادت نخواهند، بغضهای بی جا بکار نمی برد، در نماز خاشع است و در زکات سریع است، در مصیبت موقر، و بهنگام نعمت شاکر است، بخل او را از کار نیک باز نمی دارد، با مردم آمیزش میکند تا چیز یاد بگیرد، و با آنها گفتگو میکند تا بفهمد. اگر از کار نیک خود خوشحال و از کار بد خود دلگیر می شوی مؤمن هستی.

خداوند هیچیک از کارهای نیک مؤمن را از قلم نمی اندازد، و در دنیا و آخرت به او پاداش میدهد، ولی کافر در دنیا بوسیله کارهای نیک خود روزی می خورد و همینکه آخرت شد، کار نیکی ندارد که بوسیله آن پاداش یابد. میهمان: وقتی میهمان برکسان درآید، روزی خود را همراه می آورد، و وقتی برون رود، با آمرزش گناهان آنها برون رود.

عفو و بخشش: وقتی بر دشمن خود قدرت یافتی، بشکرانه قدرت از او درگذر.

ببخش و تنگ مگیر که بر تو تنگ گیرند. کسان را رحم کنید، تا شما رحم کنید، دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید. عفو مایه عزت است، عفو کنید، تا خدا شما را عزت بخشد. بهترین نیکی ها سیرت نیک است. کینه ها را دور بیندازید، با یکدیگر دست بدهید تا کینه از دل شما برود. کمال دین خیر خواهی است.

صبر: وقتی دیدید نمی توانید چیزی را تغییر دهید، صبر کنید تا خدا آنرا تغییر دهد. انتظار گشایش که با صبر قرین باشد، عبادت است، و بهترین وسیله وصول به مقصود صبر است.

خداوند کمک را بقدر احتیاج نازل می سازد، و صبر را به اندازه بلا می دهد. صبر مایه خوشنودیست، صبر نسبت به ایمان چون سر است نسبت به تن.

و عده: و عده دادن چون دین بگردن گرفتن است، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند.

صدقه و زکات: بخورید و بنوشید و صدقه دهید، و بیوشید بی اسراف و تکبر. هرکار نیکی صدقه است، و هرچه مسلمان بر خویش و کسان خویش خرج کند در قبال آن برای او صدقه ای نویسند. غذای خود را به پرهیزکاران بخورانید، و نیکی های خود را درباره مؤمنان انجام دهید.

بامداد خود را با صدقه آغاز کنید زیرا بلا از صدقه میگریزد.

صدقه موجب فزونی مال است، صدقه دهید تا خدا مالتان را زیاد کند. صدقه ای که بخویشان دهند پاداش مکرر دارد، و از مرگ بد جلوگیری کند. اموال خود را بوسیله زکات محفوظ دارید.

قرآن: با قرآن مأنوس شوید و آنرا پیشوا و رهبر خویش گیرید، که قرآن گفتار خدای جهانیان است، که از اوست و بسوی او باز میرود، به (آیات) متشابه آن ایمان داشته باشید، و از مثلهای آن عبرت گیرید.

محبت اهل بیت: دو چیز سنگین در میان شما می گذارم: یکی کتاب خداوند که در آن هدایت و نور است، و هرکس بدان چنگ زند و آنرا بگیرد قرین هدایت است، و هرکس آنرا رها کند گمراه می شود. کتاب خدا را بگیرید و بدان چنگ زنید، و خانواده من، درباره خانواده ام خدا را بیاد شما می آورند.

( اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ )

روابط با افراد خانواده، خویشان و دیگران: مادر خود، مادر خود، مادر خود را، رعایت کن، وسپس پدر خود را، وپس از آن کسانی را که بتو نزدیکترند.

ثواب نیکی با خویشان را از همه کارهای نیک زودتر می دهند. خداوند شما را در باره مادرانتان سه بار سفارش می کند، و خداوند شما را در باره پدرانتان سفارش می کند، خشنودی خدا درخشنودی پدر و مادر است، و دلگیری وی در دل گیری آنهاست.

خداوند شما را درباره نزدیکانتان به ترتیب سفارش می کند. خویشاوندی رشته ای از طرف خداوند است، هر که آنرا پیوند دهد، خدا با او پیوند کند، و هر که آنرا ببرد، خدا از او ببرد.

بدترین مردم آنکس است که بر خانواده خود سخت گیرد. باخویشان دوستی کنید. صدقه بموقع و کار نیک و نیکوکاری در حق پدر و مادر و پیوستگی خویشاوندی یدبختی را بخوشبختی مبدل کند.

خداوند دوست دارد که در میان فرزندان خود حتی در بوسیدن آنها به عدالت رفتار کنید. با پدران خویش نیکی کنید، تا فرزندان با شما نیکی کنند.

برادر خود را یاری کن، چه ستمگر باشد، چه ستم دیده، اگر ستمگر است، او را از ستم باز دار، و اگر ستم دیده است، او را یاری کن. هر که از روش و کار دیگری راضی باشد، مثل اوست.

هر کس برادرش به عذر خواهی پیش وی آید، باید عذر وی را حق باشد یا باطل بپذیرد. هر یک از شما آئینه برادر خویش است، وقتی عیبی دید، باید بزداید.

خداوند شما را درباره زنان به نیکی سفارش می کند، زیرا زن‌ها، خواهران، مادران و دختران و خاله های، (و عمه های) شما هستند.

بزرگ مردان زنان را گرامی شمارند، و فرومایگان زنان را خوار دارند. بهترین شما کسانی هستند که برای زنانشان بهترینند.

وقتی مرد به زن خود بنگرد، و زنش بدو بنگرد، خداوند بديده رحمت بر آنها می نگرد.

نسبت به زنان مردم عقیف باشید، تا زنانتان عقیف مانند.

آنچه برای خود میخواهی برای مردم بخواه، تا مؤمن باشی و باهمسایگان نیکی کن تا مسلمان باشی.

خداوند روز رستاخیز گوید: آدمیزاد! بیمار شدم مرا عیادت نکردی، گوید خدایا چگونه ترا که پروردگار جهانیانی عیادت کنم؟ گوید مگر نمیدانی که فلان بنده من بیمار بود، و او را عیادت نکردی، مگر نمیدانی که اگر او را عیادت میکردی مرا پیش او می یافتی؟! آدمیزاد! من از تو غذا خواستم، به من ندادی!

گوید: پروردگار! چگونه ترا که پروردگار جهانیانی غذا دهم؟ گوید: مگر نمیدانی که فلان بنده من از تو غذا خواست، و به او ندادی!، مگر نمیدانی که اگر او را غذا می دادی، اکنون پاداش آنرا پیش من می یافتی!؟

آدمیزاد! از تو آب خواستم، به من ندادی! گوید: چگونه ترا که پروردگار جهانیانی آب دهم؟ گوید: فلان بنده من از تو آب خواست، به او ندادی! اگر به او آب داده بودی، اکنون پاداش آنرا پیش روی می یافتی؟!  
رد امانت: اگر می خواهید خدا و پیغمبر شما را دوست بدارند، وقتی امانتی بشما سپردند، رد کنید، و همین که سخن می گویند، راست گویند، و با همسایگان خود به نیکی رفتار کنید.

حسد: حسد نیکی را می خورد چنانکه آتش هیزم را.

محبوب ترین بندگان: محبوب ترین بندگان کسی است که با بندگان او مهربان تر است. محبوب ترین بندگان خدا به نزد وی کسی است که کار نیک را محبوب او ساخته، و میل انجام آنرا در دلش انداخته.  
" لا اله الا الله ": خداوند هرکس را که بگوید: " لا اله الا الله " و از این سخن جز خدا منظوری نداشته باشد، به جهنم حرام کرده.

لغزش: من از طرف خدا تعهد میکنم که عاقلی نلغزد مگر آنکه خدا او را بلند کند، پس از آن نلغزد مگر او را بلند کند، تا سر انجام به بهشت برد.

جهاد: بهترین عمل مؤمن جهاد در راه خداست. اوج مسلمانی جهاد در راه خداست، که جز مسلمانان برجسته بدان نرسند.

روزی: بنده اگر در آخرت دل بسته باشد، خداوند دارائی او را بقدر کفایت کند، و ثروتش را در قلبش قرار دهد و پیوسته بی نیاز باشد، و اگر به دنیا دل بسته باشد، خداوند دارائی او را فراوان کند، و فقر را روبرویش قرار دهد، و پیوسته فقیر باشد. نیکی روزی را بیافزاید، و بنده به وسیله گناهی که مرتکب شود از روزی محروم ماند.  
گناه و توبه: گناه دانا یک گناه، و گناه نادان دو گناه است. گناه برای غیرگنهکار نیز شوم است، اگر او را غیبت کند، گنهکار شود، و اگر بدان رضا دهد شریک وی باشد. کفاره کسی که غیبت او کرده ای، اینست که برای او آمرزش خواهی، هر دردی دوائی دارد، و دوائی گناهان آمرزش خواستن است.

بنده وقتی گناهی کند، نقطه سیاهی در دل او پدید می آید، اگر از گناه دل برکند و بخشش خواست و توبه کرد، دلش صاف می شود، و اگر گناهی دیگر کرد، نقطه سیاه افزون می شود تا دل را فرا گیرد، و این چیرگی گناه است، که خداوند فرمود: نه! بلکه گناهشان بر دلهايشان چیره شد. خوی نیک گناهان را محو می کند، و خوی بد اعمال را فاسد می کند.

نیت و عمل: خداوند نیکی ها و بدی ها و چیزهائی را که میان آنهاست رقم زده، هرکس تصمیم به کار نیکی گیرد و انجام ندهد، برای او یک نیکی کامل حساب کند، و اگر تصمیم گیرد و انجام دهد، خداوند ده نیکی تا هفصد برابر و بیشتر حساب کند، و اگر کار بدی را قصد کند و انجام ندهد، خداوند آن را نیکی کامل حساب کند، و اگر قصد کند و انجام دهد، خداوند فقط یک بدی حساب کند، بنابراین هرکه در پیشگاه خدا هلاک شود سزوار هلاک است.

**ایمان:** سه چیز از لوازم ایمان است، آنکه وقتی (انسان) خشمگین شد، خشمش وی را بکار ناحق و ندارد، و آنکه وقتی راضی شد رضایش او را از حق دور نسازد، و آنکه وقتی قدرت داشت بدانچه حق ندارد دست نزند. ایمان شما چون لباسی که به تن دارید کهنه می شود، از خدا بخواهید که ایمان را در دل شما تازه کند. حیا و ایمان قرین یکدیگرند، وقتی یکی را گرفتند دیگری همراه آن می رود. ایمان و عمل قرین یکدیگرند، و هیچیک از آن دو بدون دیگری درست نیست..

بهترین ایمان آنست که مردم از دست و زبان تو در امان باشند، و بهترین اسلام آنست که مردم از دست و زبان تو سلامت مانند، القای خیر از خاموشی بهتر و خاموشی از القای شر برتر است.

**اصلاح زبان:** خدا رحمت کند کسی را که زبان خود را اصلاح کند.

بروز رستاخیز گناه آنکس از همه مردم بیشتر است که بیشتر از همه گفتگوی بیهوده کرده باشد. روز قیامت موقعیت آن کس از همه بدتر است که از زبانش ترسند، یا از شرش بیم کنند.

بدگویی و بد زبانی از صفات اسلام نیست، خدا رحمت کند آنکس را که زبان خود را حفظ کند، و روزگار خود را بشناسد و روش او راست باشد، و از همه مردم اسلام آن کس بهتر است که اخلاقش نیک تر باشد، خداوند این دین را خاص خود کرده است، با دین شما جز بخشش و خوش خلقی سازگار نیست، دین خود را با این دو صفت آرایش دهید. بدخوئی شوم است و بدترین شما بد خوترین شماست. خداوند بدگو و بد زبان را دشمن دارد.

**تواضع:** تواضع مایه رفعت است، تواضع کنید، تا خدا شما را رفعت دهد. خود پسندی و غرور عبادت هفتاد ساله را نا بود میکند. خداوند که درد را آفرید درمان را هم آفرید، پس دردهای خویش را درمان کنید. آنچه خدا دوست دارد و آنچه دوست ندارد: خداوند یاری کردن کسان را که کمک می جویند دوست دارد. آنکه به کار نیک فرمان دهد، مانند آنست که آنرا انجام میدهد.

حیا سراسر نیکی است، حیا مایه زینت است، خداوند با حیا و پرده پوش است، و حیا و پرده پوشی را دوست دارد، و بوسیله آن چیزها می دهد که به وسیله خشونت نمی دهد. تائی از الله است و شتاب از شیطان. خداوند شخص آسان گیر آزاده را دوست دارد.

خداوند وقتی نعمتی به بنده ای دهد دوست دارد اثر نعمت بر او دیده شود، و تظاهر به تنگدستی را دوست ندارد، و شخص با حیای عقیف را که از محرمات دوری میگزیند دوست دارد.

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. بخشنده است و بخشش را دوست دارد. پاک است و پاکیزگی را دوست دارد، و اخلاق عالی را دوست دارد، و اخلاق پست را دوست ندارد.

اسلام پاکیزه است شما نیز پاکیزه باشید، زیرا بجز پاکیزگان کسی به بهشت نمی رود. خداوند کثافت و ژولیدگی را دوست ندارد.

دندانها را تمیز کنید، زیرا مایه نظافت است و نظافت باعث ایمان، و ایمان با صاحب خود در بهشت است.

خداوند خشبوست، وبوی خوش را دوست دارد. خداوند بزرگوار است، وبزرگواری را دوست دارد. خداوند دوست دارد که وقتی یکی از شما کاری می کند، آن را کامل کند.

یقین و تردید: خداوند به حکمت و فضل خویش آسایش و شادی را دریقین و رضا قرار داده، و غم و اندوه را در تردید و غضب و دیعه نهاده است.

هدیه دادن: هدیه بیکدیگر بدهید تا رشته محبتتان استوار شود، زیرا هدیه محبت را بیافزاید و کینه و کدورت را از میان ببرد. به آن کس که هدیه بتو نمی دهد هدیه بده.

حلال و حرام: حلال آنست که خداوند در قرآن حلال کرده باشد، و حرام آنست که خداوند در قرآن حرام کرده باشد، و هرچه را مسکوت گذاشته مورد گذشت است. پیوسته پیرو کتاب خدا باشید.

بهترین و بدترین: بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمند تر باشد، بهترین شما آن کس است که دیدار او، خدا را بیاد شما آورد و سخنانش دانش شما را بیافزاید، و رفتارش شما را به آخرت راغب سازد.

بهترین کارها آنست که به اعتدال نزدیکتر است. راهی میان افراط و تفریط است، و بهترین کارها میانه روی است.

بهترین یاران کسی است که وقتی خدا را یاد کردی ترا کمک کند، و وقتی یاد خدا را فراموش کردی او را بیاد تو آورد.

بهترین مردم کسانی هستند که قرآن بهتر خوانند، و در کار دین داناتر باشند، و از خدا بیشتر ترسند، و به نیکی بیشتر امرکنند، و از بدی بیشتر جلوگیری کنند، و با خویشان بیشتر نزدیک شوند.

بهترین ازدواج ها آنست که آسان تر انجام گیرد.

بهترین شما کسی است که خدا کمکش کرده و بر خویشتن تسلط یافته است.

بهترین شما کسی است که قرآن را تعلیم دهد و تعلیم گیرد.

بهترین شما کسی است که آخرت خود را برای دنیا از دست ندهد، و دنیای خود را برای آخرت از دست نگذارد، و سربار مردم نباشد.

بهترین شما کسی است که بخیرش امید توان داشت و از شرش امان توان یافت، و بدترین شما کسی است که بخیرش امید و از شرش امان نیست.

ملایمت و خشونت: ملایمت مایه میمنت است، و خشونت مایه شئامت، و همینکه خدا برای بنده ای خوبی خواهد او را با ملایمت قرین کند، زیرا ملایمت در هرچه باشد آنرا زینت دهد، و خشونت در هرچه باشد آنرا خوار کند.

خداوند به من فرمان داده بامردم به مدارا رفتار کنم، همچنان که مرا به ادای واجبات مأمور ساخته است.

خداوند ملایمت را در همه چیز دوست دارد.

یاد و ذکر خدا: آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، چنان است که در میان فراریان جنگ ثبات ورزد. آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، چون چراغ در خانه تاریک است، و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، چون درخت سبز است، در میان درختانی که از سرما برگریزان کرده اند، و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، خدا جابگاهش را در بهشت به او بنماید، و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند، خدا بشماره هر زباندار و گنگ او را بیامرزد. یاد خدا شفای دلهاست نشان محبت خدا علاقه به ذکر خداست، و نشان دشمنی خدا، بی علاقه به ذکر خدای عزّ و جلّ است.

اساس حکمت: اساس حکمت خداشناسی است. اساس حکمت ترس از خداست. خدا رحمت کند دیده ای را که از ترس خدا بگریزد، و رحمت کند دیده ای را که در راه خدا بیدار ماند. از ترس خدا غافل مباش که سرچشمه نیکی هاست.

خدای والا فرماید: بعزت و جلالم قسم که یک بنده را دو امنیت و دو ترس با هم ندهم، اگر در دنیا از من ایمن است، در روزی که بندگانم را فراهم کنم، او را بترسانم، و اگر در دنیا از من بترسد، روزیکه بندگانم را فراهم کنم، ایمنش کنم.

اساس دین: اساس دین، تقواست. اساس دین، خیرخواهی برای خدا، و دین خدا، و پیغمبر خدا، و کتاب خدا، و پیشوایان مسلمانان، و همه مسلمانان است. اساس دین، مدار است، و نیکوکاران دنیا، نیک بختان آخرتند. خدا رحمت کند کسی را که کسب حلال کند، و به اعتدال خرج نماید، و مازاد آنرا برای روز تنگ دستی و حاجت از پیش فرستد. (بمعنی اینکه در راه خدا کمک کند.)

خدا رحمت کند: خدا رحمت کند کسی را که سخنی از ما بشنود و حفظ کند و به کسی که بهتر از او حفظ تواند کرد برساند.

خدا رحمت کند کسی را که هنگام فروش آسان گیر باشد و هنگام خرید آسان گیر، و هنگام پرداخت آسان گیر، و هنگام طلب آسان گیر. خداوند رحیمان را رحم میکند.

مدارا: مدارا قرین برکت است، و هر که از خدا بی بهره باشد از خوبی بی بهره است. راهنما به نیکی چون نیکوکار است.

رؤیا- خواب: رؤیا سه نوع است: مژده خدا، و حدیث نفس و تهدید شیطان. وقتی یکی از شما خواب خوبی دید، اگر خواهد برای کسان نقل کند، و اگر خواب بدی دید برای هیچکس نقل نکند، برخیزد و نماز گزارد.

پیشوایان گمراه: بیش از هر چیز بر اُمت خود از پیشوای گمراه بیم دارم. پیشوایانی یر شما منصوب خواهند شد، که روزیهای شما بخورند، و با شما سخن کنند و دروغ گویند، و عمل کنند و بد کنند، و از شما راضی نشوند تا کار زشتشان را نیکو شمارید، و دروغشان را راست بحساب آرید. اگر بحق رضا دادند مطابق آن با ایشان رفتار کنید، اما اگر از حق تجاوز کردند، هر که در این راه کشته شود شهید است.

روزگاری به مردم رُخ نماید که مرد میان بی عرضگی ونا درستی مجبور به انتخاب شود، هرکه در آن روزگار باشد، باید بی عرضگی را برنادرستی ترجیح دهد.

عیادت بیمار: کسی که بیماری را عیادت کند تا وقتی که برگردد در راه بهشت قدم زده. از آنکه ترا عیادت نمی کند عیادت کن.

سقاوتمند و بخیل: سقاوتمند بخدا نزدیک، وبمردم نزدیک، وبه بهشت نزدیک، واز جهنم دور است، وبخیل از خدا دور، واز مردم دور، واز بهشت دور، وبه جهنم نزدیکست. نادان سقاوتمند نزد خدا از عالم بخیل محبوب تر است.

سقاوت درختی از درختهای بهشت است، که شاخه های آن در دنیا آویخته است، هرکه شاخه ای از آن بگیرد، همان شاخه وی را سوی بهشت کشاند، وبُخل درختی از درختهای جهنم است، که شاخه های آن در دنیا آویخته است، وهرکه شاخه ای از آن بگیرد، همان شاخه او را بسوی جهنم کشاند.

سقاوتمند به سبب خوش گمانی بخدا سقاوت می کند، و بخیل بعلت بدگمانی بخدا بُخل میورزد.

سعادت کامل: سعادت کامل عمر دراز در خدمت خداست. آرامش غنیمتست وترک آن خسارتست .

سلام : سلام بدخواه است وجواب آن واجب است. (سلام سفارش خداست) ، سلام نامی ازنامهای خداست که آنرا در زمین نهاده است، درسلام میان خودتان پیشی گیرید، زیرا شخص مسلمان وقتی به قومی گذر کند و بر آنها سلام کند، وجوابش دهند، وی را برآنها فزونی مرتبت است، که سلام را بیادشان آورده است، واگر جوابش دهند، کسی که از آنها پاکتر و پاکیزه تر است جوابش دهد.

(سلام بمعنی صلح، آرامش وامنیت، وشاد باشی است از طرف خدا، بنده را.)

عبادت و خلوص: خداوند والا فرماید: آدمیزاد وقت خود را صرف عبادت من کن، تا سینه تورا از بی نیازی پُر کنم، وفقر را از تو دور سازم، واگر چنین نکنی، تورا سخت به دنیا مشغول سازم وفقر را از تو دور نکنم. خداوند از عبادت ها جز آنچه خاص او باشد وبخاطر او انجام گیرد نمی پذیرد. خداوند رحمان فرماید: محبوبترین عبادتی که بنده برای من تواند کرد، خلوص است.

خداوند احد فرماید: من عمل کسی را که با من شریک قرار دهد خوب تقسیم می کنم، هرکه چیزی را با من شریک کند، عمل او ازکم یا زیاد متعلق یه شریک است، ومن از آن بی نیازم.

عمل نهان بهتر از عمل عیان است، اما عمل عیان برای آنکه خواهد سرمشوق کسان شود بهتر است.

( مقصود عمل نیکوست.)

پرستش وستایش خدای عزوجل: خدا را چنان پرستش کن که گوئی او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی، او ترا می بیند.

خدا را ستایش کنید تا شما را بیامرزد. خداوند به جوان عابد بر فرشتگان مباحثات می کند، و می گوید: بنده مرا بنگرید که بخاطر من از تمایلات خود چشم پوشیده است.

وضو کلید نماز است، و نماز کلید بهشت. نماز نور مؤمن است، نماز ستون دین است، از سجده غافل مشو که هر سجده ای که برای خدا کنی، خداوند یکدرجه ترا بالا برد و گناهی از تو محو کند.

روزه دار از آن هنگام که صبح می کند تا به شب در رود، مادام که غیبت نکند، در عبادت است، و همینکه غیبت کرد، روزه او پاره می شود. بسا کسان که غذا خورند و شکر کنند و پاداششان از روزه دار صابر بیشتر است.

بسا روزه دار که از روزه خود جز گرسنگی ثمری نبرد، و بسا نماز شب گذار که از نماز خود جز بیداری سودی نگیرد.

کوری دل: کوری دل، گمراهی پس از هدایت است.

مراقبه: دل‌های خویش را به مراقبه عادت دهید و اندیشه بسیار کنید.

سحر خیزی: سحر خیز باش، زیرا سحر خیزی مایه برکت است.

کوشش: خداوند کوشش را بر شما مقرر داشته، پس بکوشید. مؤمن چنان است که در کار خیر هرچه تواند کوشد، و هرچه نتواند به آرزو خواهد.

راستگو و دروغگو: هر که راستگوتر است سخن مردم را زودتر باور می کند، و هر که دروغگو تر است، بیشتر مردم را دروغگو می شمارد. راستی مایه آرامش و دروغ مایه تشویش است.

نیکی و نیکوتر: عدالت نیکی است، ولی از زمامداران نیکوتر است. سخاوت نیکی است ولی از اغنیا نیکوتر است. تقوا نیکی است ولی از علما نیکوتر است. توبه نیک است ولی از جوانان نیکوتر است. شرم نیک است ولی از زنان نیکوتر است. نیکوئی میان مردم فراموش میشود، اما میان خدا و عامل نیکی فراموش نمیشود.

دعا و نیایش: بندگان خدا از دعا غافل نشوید، و برای جلوگیری از بلا به دعا متوسل شوید. دعا از وسائل تقدیر است، و بفرمان خدا فایده می دهد.

دعا سلاح مؤمن است. دعا کلید رحمت است، آنکه دعا می کند و آنکه آمین می گوید، در پاداش شریکند، و قاری و مستمع در پاداش شریکند، دعا عبادت است.

همه اعمال خیر یک نیمه عبادت است، و چون خدا برای بنده ای نیکی خواهد، قلب او را به دعا متمایل کند. بخیل ترین مردمان آن کس است که از دعا ناتوان باشد. دعائی که نیکوئی دیده برای نیکوکار کند، رد شدنی نیست.

دعا دفع قضا کند، دعا درباره آنچه فرود آمده و آنچه نیامده مفید است. دعا شیرین و دوست داشتنی است، هر که از آن مطابق حق بهره گیرد، بر او مبارک باد.

خدای والا فرماید: ای فرزند آدم، سه چیز هست: یکی خاص من، یکی خاص تو، و یکی میان من و تو.

اما آنکه خاص من است: آنکه مرا بیپرستی و چیزی را با من شریک نکنی، آنچه خاص توست: هرچه عمل کنی سزای تو دهم، و اگر بیمارم، من آمرزگار رحیمم. و آنچه میان من و توست: از تو دعا کردن و خواستن، و از من اجابت و عطا کردن.

شما را پس از کلمه اخلاص چیزی مثل عافیت نداده اند، از خدا عافیت طلبید.

خدایا، ما را بعلم توانگر ساز و به حلم زینت بخش و به تقوا عزیز کن و به عافیت زیبایی ده.

خدایا، گناه مرا ببخش و خانه ام را وسعت بخش، و روزی مرا برکت ده.

خدایا، از گناه و جهالت و افراط کاری من، و آنچه بهتر تو از من میدانی در گذر. خدایا خطا و عمد و شوخی و جدی من، همه را ببخش. خدایا گناهان سابق و لاحق مرا عفو کن.

خدایا، از ترس خود آنقدر نصیب ما ساز که میان ما و نافرمانی تو حایل شود، و از اطاعت خود آنقدر که ما را به بهشت برساند، و از یقین آنقدر که مصیبت های جهان را بر ما آسان کند، و ما را تا هنگامی که زنده میداری از چشم و گوش و توانائی های خود بهرمنند ساز، و آنها را تا آخرین لحظه برای ما محفوظ دار، خداوند کسی را که بما رحم نمی کند بر ما مسلط مساز.

خداوند، تو جان مرا آفریدی، و تو آنرا می گیری، زندگی و مرگ آن متعلق بتوست، اگر زنده اش داشتی، محفوظش دار، و اگر دچار مرگش ساختی، بر او ببخش، خدایا از تو عافیت می خواهم.

خدایا، مرا به آنچه تعلیم داده ای منتفع کن، و آنچه را برای من نافع است، بمن بیاموز، و دانش مرا افزون کن.

خدایا، من از تو هدایت و تقوا و عفت و بی نیازی می خواهم.

خدایا، من از تو صحتی می خواهم که قرین ایمان باشد، و ایمانی که با نیک خوئی همراه باشد، و موفقیتی که رستگاری دنبال آن باشد.

خدایا، من همه نیکی هائی را که میدانم و نمیدانم از تو می خواهم، و از همه بدیها که میدانم و نمیدانم، بتو پناه میبرم.

خدایا، دین مرا که حافظ کار من است، و دنیای مرا که زندگی من در آنست، و آخرت مرا که بازگشتم بسوی آنست، بصلاح آر، زندگی را برای من مایه افزایش نیکی ها ساز و مرگ را برای من، مایه آسایش از بدیها کن.

خدایا، از زوال نعمت و تغییر عافیت، و غضب ناگهانی، و همه چیزهائی که مایه ناخشنودی تو است، بتو پناه میبرم. خدایا، از دانشی که سود ندهد، و عملی که مقبول نیفتد، و دعائی که اجابت نشود، بتو پناه میبرم.

خدایا، از اخلاق بد، و اعمال بد، و هوسهای بد، و مرضهای بد، بتو پناه میبرم.

خدایا، مرا به پرهیزکاری خود خوشبخت کن، و به نافرمانی خود بد بخت مکن.

خدایا، ما را از جمله کسانی قرار ده که وقتی نیکی کنند خوشحال می شوند، و وقتی بدی کنند، آمرزش می طلبند.

خدایا، در همه کارها عاقبت ما را خیر کن، و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نگهدار.

خدایا، ما را هنگام خفتن، ایستادن و نشستن به وسیله اسلام حفظ کن، و ما را به سرزنش دشمن وحسود، مبتلا مکن.

خدایا، همه نیکی هائی که گنجینه آن را بدست داری از تو میخوایم، و از همه بدیهائی که گنجینه آن را بدست داری، بتو پناه میبرم.

خدایا، میان ما را اصلاح ده، و دلهای ما را متفق ساز، و ما را به آرامش هدایت کن، و از تاریکی ها بسوی روشنی رهائی بخش، و از زشتی های آشکار و نهان دور ساز.

خدایا، پروردگارا، در دنیا و آخرت بر ما نیکی بخش، و ما را از عذاب جهنم محفوظ دار.

خدایا، ما را بیفزا و دچار نقص مکن، ما را گرامی دار و خوار مکن، ما را عطا ده و محروم مساز، و ما را برتری ده، و ما را خشنود ساز، و از ما خشنود باش . (برحمتک یا ارحم الراحمین، آمین یا رب العالمین .)

خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای مؤمنان بر او درود بفرستید و سلام کنید و تسلیم او باشید.

( ۳۳ : ۵۶ )

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ.